

## می بیند، که راه سوم هم وجود دارد؟!

بتاریخ 17.6.2011 طی مقاله نوشتم که غیر از جنگ و غیر از ایجاد پایگاه ها در افغانستان، راه های دیگری هم برای پایان دادن جنگ، تأمین صلح، آوردن آرامش در این کشور و خاتمه دادن به دشمنی های همسایه ها با ما وجود دارد. راه های مثبت و عقلانی سیاسی دیپلوماتیک که میتواند کشور های همسایه و کشورهای منطقه و جهان را هم از تشویشهایی که نسبت به وجود ناآرامیها، وجود بحر آنها، وجود جنگها، وجود رقابتهای کشورهای منطقه و جهان بر سر افغانستان، وجود ترس از جای گرفتن دهشت افگنان در این کشور و بالاخره وجود نگرانیها از حضور پایگاههای بیگانه در افغانستان دارند، برهاند.

این پیشنهاد حاوی چنین عباراتی بود:

"اگر امریکائی ها واقعاً در نظر دارند که به خود و به افغانستان کمک کنند چه در راستای تأمین امنیت آن و دفع توطئه های همسایگان و چه در راستای بازسازی و نوسازی آن، بهتر است بجای اینقدر مصرف نظامی و کشتن و کشته دادن موضوع افغانستان را به شورای امنیت ملل متحد راجع نموده قطع نامه رابا توافق و همکاری سائر اعضای اینشورابه تصویب برسانند که بر مبنای آن افغانستان در منطقه و جهان از همان سیاست و حیثیتی بهر مند شود که سوئیس در اروپا و جهان از آن برخوردار است. اگر افغانستان به چنین موقفی نایل گردد، مطمئناً هیچ کشوری نه هند، نه پاکستان، نه چین، نه روسیه، نه ایران، نه امریکو ... - از آنجائی که همه اطمینان حاصل می کنند که هیچ یک در صدد نفوذ به این کشور نیستند، نه تنها در امور داخلی و خارجی کشور ما مداخله نمی کنند، بلکه کوشش خواهند کرد که افغانستان هرچه زودتر از این وضعیت شکننده و بحرانی خارج شود. ضمناً برای اطمینان خاطر به تمام کشورهای مداخله گرجد آهشدار داده شود که تخطی از این قطعنامه پیامدهای جدی در قبال خواهد داشت.

از آنجائیکه هیچ کشوری، بخصوص کشورهای منطقه با حضور نیروهای امریکا در افغانستان موافق نیستند، بایقین کامل میتوان گفت که همه کشورهای جهان با خوشی تام و تمام با این پیشنهاد موافقت خواهند کرد."

این نوشته، نوشته نبود که علاقه مندان به موضوع جنگ و صلح و ایجاد پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان، خصوصاً آنانی که علاقه مند دانستن نظرات افغانان در این

زمینه ها هستند، یا آنگونه که خود می گویند، در پی یافتن یک راه حل برای مشکل افغانستان می باشند، باید در برابر آن سکوت می کردند.

چنین نظر، یا راه حلی هم بالاخره یک راه حل یا یک نظر است، که باوجود بکر بودن آن نسبت به راه حل های دیگر، خصوصاً با وضعیتی که ما داریم، برای ما بسیار زیاد مفید و سازنده است. خوب؛ از قدیم گفته اند که: " مرد ها را یک گپ است." یا این که: " سر خر بالا شدن یک عیب و پایین شدن آن یک عیب." آدم باید یگان جای پایمردی نشان بدهد!

باید گفته شود که چنین موضع گیری ها نشان دهنده آن است که علاقه مندی این حلقه ها تنها در همان حوزه های گسترش می یابند و همان نظریاتی را استقبال می کنند که درستی نظریات خود شان را مورد تأیید قرار داده باشد. و اگر جا جا و گاه گاه نظر مخالفی را هم نشر می کنند یا برای این است - اگر آن نظریات در طفولیت نمرند یا فوفش در جوانی جوانمرگ نشوند و در نزدیکی هائی قبر گوره ها ( قبر گورا ) خپ و چپ مدفون نشوند - که حجم نظریات چاق شود و یا این که مردم نگویند که:

چه؟ هیچ نظر مخالفی در این زمینه وجود ندارد؟ چطور ممکن است؟ و ... بهر حال چنین هم نبوده که این خبر انعکاسی نداشته است.

امروز وقتی خبری را که نقل از رادیوی آزادی است و حاوی همان پیشنهادی که من نموده بودم، با این تفاوت که من مثال سویس بی طرف را داده بودم و وزیر خارجه امریکا مثال تاریخی بلجیم را - وقتی خاتم کلنتون از سویس آسیای میانه سخن به میان می آورد منظورش بیشتر آبادی و زیبایی این کشور است، نه بی طرفی آن - در بخش نظریات سایت افغان - جرمن خواندم، به این باور شدم که همین خرده نظرات هم میتوانند گاه گاه به عنوان جرقة سبب برافروختن آتشی شوند که در روشنی آن راه هائی را دید و در گرمای آن دستانی را گرم کرد. بهتر است شما هم این خبر را بخوانید:

" امریکا میخواهد مثال تاریخی بلجیم را در افغانستان عملی کند. و اشنگتن تلاشها را برای تبدیل کردن افغانستان به سویس آسیای میانه ترک نموده و اکنون میخواهد که مثال تاریخی بلجیم را در این کشور عملی کند. مقامات امریکایی میگویند:

متوازن ساختن رقابتهای هندوپاکستان در افغانستان، مشکل عمده بار آورده است. پاکستان که درده هاسال اخیر تلاش کرده است که نفوذند را در افغانستان محدود بسازد، میتواند در تشویق و یابازداری طالبان برای صلح در افغانستان نقش عمده بازی کند.

وزیر خارجه امریکاهیلاری کلنتن در اشاره به مشکلات افغانستان اخیر گفته است که اگر به تاریخ گذشته عمیق نگاه شود، میتوان راه حل برای مشکل افغانستان پیدا کرد. به گفته وزیر خارجه امریکا، کنگره سالهای 1814 و 1815 که در نتیجه آن یکدولت حایل و بیطرف در بلجیم تشکیل گردید، میتواند یک نمونه خوب برای افغانستان هم باشد. روزنامه فاین نشل تایمز در اینمورد نوشته که مقامات امریکایی گفته اند که تلاشهای دیپلماتیک و اشنگتن اکنون واقعا بر ایجاد یک معاهده منطقوی تمرکز میکنند که در نتیجه آنکشورهای منطقه تعهد خواهند کرد که در رقابتهای ذاتالبینی خود از افغانستان بحیث میدان جنگ استفاده نخواهند کرد.

در پاسخ به این سوال سناتور حزب جمهوری خواه ریچار دلوگر در مورد اهمیت یکجانبودن روسیه، هندو پاکستان در موضوع افغانستان، وزیر خارجه امریکا خانم هیلاری کلنتن گفت: مثال کنگره وینامیتواند نمونه خوب برای افغانستان هم باشد. او افزود: کنگره وینایک مثال جالب تاریخی میباشد، زیرا در آن یک معاهده بین قدرتهای منطقوی ایجاد شد که کشور های بنیلوکس یعنی بلجیم، هالند و لوکز امبورک به حیث زون آزادی ابیطرف معرفی شدند. خانم کلنتن افزود:

اگر قدرتهای منطقوی در جنوب شرق آسیا به این نقطه برسند، این یک نتیجه با ارزش خواهد بود.

حکومت افغانستان و وزارت دفاع اینکشور نظر خانم کلنتن را در مورد تبدیل کردن افغانستان به یک زون بیطرف و حایل استقبال میکنند. سخنگوی وزارت دفاع افغانستان به روزنامه فاین نشل تایمز گفته است: آوردن صلح در افغانستان بدون همکاری کشورهای منطقه ناممکن است، زیرا اینکشور ها در بحران افغانستان نقش عمده دارند. اما با در نظر داشت رقابتهای تاریخی، هندو پاکستان که در جریان جنگ افغانستان از گروههای مخالف یکدیگر حمایت میکردند، حتی اگر افغانستان یک کشور بیطرف هم اعلان شود، باز هم بر صداقت طرف مقابل اعتماد نخواهند داشت.

حمایت پاکستان از طالبان و اختلافات اخیر که حکومت افغانستان پاکستان را به فیر بیش از 470 راکت به خاک افغانستان متهم میسازد، رسیدن به چنین یک معاهده را مشکل میسازد. به نوشته روزنامه، بدون شک در مذاکرات سه جانبه بین افغانستان، پاکستان و امریکا، از این به بعد هر بار این موضوع بررسی خواهد شد تا مشکلاتی که در راه رسیدن به آن وجود دارد حتی الامکان رفع شود.

از حرف های امروز اگر بگذریم، من سال ها قبل هم همین پیشنهاد را نموده بودم که مشکل افغانستان باید در یک کنفرانسی که تمام همسایه های دور و نزدیک این کشور در آن اشتراک داشته باشند، حل شود. همچنین اضافه نموده بودم که دست یابی به صلح دوامدار در افغانستان بدون همکاری تمام کشور های منطقه ممکن نیست. (یادم نیست که

این موضوع را در کدام یک از مقالات خویش یاد نموده بودم، و الا رفرنسی به آن می دادم.) علاوه بر این نوشته بودم که تلاش امریکا برای ساختن افغانستانی که تنها به فکر منافع خود و منافع امریکا باشد به جایی نخواهد رسید. کشورهای منطقه، مانند ایران، ترکیه، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، چین، هند، تاجکستان و عربستان، به شمول امریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان، که فعلاً در عمل در افغانستان درگیر هستند، باید در راستای بوجود آوردن یک افغانستان بیطرف که برای هیچ کشوری در منطقه و در جهان خطری را ایجاد نکند - جهان باید عقل خود را بکار بیندازد که افغانستان کجا و ایجاد کردن خطر برای دیگران کجا - دور هم بنشینند و در مورد افغانستان به یک تعهد و توافق جمعی که در آن منافع همه تضمین شده باشد، برسند.

از آنجا که این انتخاب بهترین انتخاب برای حل معضله افغانستان و برای رهائی منطقه و جهان از مخصه های مختلف است، نویسنده این سطور ضمن تکرار حرف های قبلی خویش از این نظر خانم کلنتون، اگر به حرف خویش صادق باشند و واقعاً بخواهند آن را در عمل پیاده کنند - باید این کار را بکنند، چون برای آن ها راه دیگری باقی نمانده است - برای آن که افغانان آرام شوند و افغانستان از تاخت و تاز ها نجات یابد، قلباً استقبال می کند.

چون مسأله افغانستان فعلاً به بن بست رسیده است و امکان آن می رود که با یک چرخش کوچک وضعیت بدتر از وضعیت فلسطین و لبنان را به خود بگیرد، مطمئن هستم که این پیشنهاد را دیگران هم قبول خواهند کرد. دلیل این اطمینان را، باجودی که در بالا آن را یکبار ذکر نموده ام، تکرار می کنم. توجه کنید:

"از آنجائی که هیچ کشوری، بخصوص کشورهای منطقه باحضور نیروهای امریکادر افغانستان موافق نیستند، بایقین کامل میتوان گفت که همه کشورهای منطقه و جهان باخوشی تام و تمام با این پیشنهاد موافقت خواهند کرد."

در اخیر آرزو می کنم که هموطنان عزیز ما به جای طرفداری از ایجاد پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان، که نه تنها مشکلات ما را حل نمی کند، بلکه باعث افزایش بی اعتمادی و خصومت بیشتر میان کشورهای منطقه و ما می شود، از این پیشنهاد که افغانستان به یک کشور بی طرف و حایل میان کشورهای دیگر پنداشته شود، حمایت کنند و نگذارند - باز هم تکرار می کنم - نگذارند که این جنگ خانمان سوز و بی حاصل تا جایی ادامه پیدا کند که دود ما به هوا شود و خود ما خاکستر.

هموطنان عزیز ما نباید فراموش کنند که فشار های ممتد و دامنه دار آن ها از طریق نوشته های زیاد و مستمر در روزنامه ها، مجله ها، سایت های انترنتی، فیس بوک ها،

رادیو ها و تلویزیون ها، بخصوص راه اندازی تظاهرات و راهپیمائی ها، اثرات بسیار سازنده را در این زمینه بجا خواهد گذاشت.

به نظر من هیچ حرکت دیگری در همین برشی از زمان نسبت به براه انداختن حرکتی در خط تأیید این پیشنهاد برای نجات کشور ما از تباهی موجود مؤثر و مفید نخواهد بود. سخن من با هموطنان ما در همین حد بود؛ ولی با جهان، سخن من هنوز تمام نشده است. توقع دیگری من از جهان این است که پس از تبدیل کردن افغانستان به یک زون بیطرف و حایل باز هم افغانستان را بدست فراموشی نسپارند و نگذارند که یک تعداد احزاب جنگ افروز، تشنه خون و دیوانه ثروت و قدرت که بقای شان را در آشفتگی و جنگ می بینند، بنام مردم در افغانستان کماکان به جان هم بیفتند و یکدیگر را ببلعند و بدرند و باز هم شهر ها را با خاک یکسان کنند و قبرستان ها را تا آنجا بگسترانند که آخری برای آن متصور نباشد!

من فکر می کنم که جهان اخلاقاً و وجداناً مدیون این ملت است! این مدیونیت را جهان نباید فراموش کند! سی و اند سال جنگی که جهان - بلاک شرق و بلاک غرب - بر این ملت تحمیل نموده است، ما را دو صد سال به عقب برده است. ما از همه جهان توقع داریم که این مکلفیت وجدانی و اخلاقی خویش را جدی گرفته و کاری کنند که ما بتوانیم از یک طرف به یک صلح دایمی برسیم و یک نظام کارآ، آبرومند و ملی داشته باشیم و از طرفی دیگر این فاصله دو صد ساله را از بین ببریم و در جایی قرار بگیریم که اگر بر ما جنگ ها تحمیل نمی شد، ما در آن جا قرار می داشتیم.

یک نکته بسیار مهم دیگر را نباید نادیده و ناشنیده بگذاریم و بگذریم که کشوری بی طرف اصلاً به ارتش و سلاح و ... نیازی ندارد. این موضوع خاصاً برای افغانستان فقیر بسیار مهم و حیاتی است، زیرا با از بین رفتن ارتش ما می توانیم پولی را که در راه تربیه و تجهیز و خرید سلاح و مهمات نظامی به مصرف می رسانیم به راه های بسیار زیاد ضروری تر به مصرف برسانیم.

امیدوارم که هموطنان ما - بخصوص - این صدا را جدی بگیرند!!